



خدا از نگاه سرخپوستان و ساحران مکزیکی یعنی وحدت استقلالی عالم و انرژی‌های متصل کیهانی

فعالی با بیان اینکه خدای مورد نظر عرفان سرخپوستی به هیچ عنوان با خدایی که در اسلام و ادیان الهی مطرح می‌شود، برابر و مطابق نیست، تصریح کرد: خدا از نگاه سرخپوستان و ساحران مکزیکی یعنی یکپارچگی جهان، وحدت استقلالی عالم و انرژی‌های متصل کیهانی.

فعالی با بیان اینکه خدای مورد نظر عرفان سرخپوستی به هیچ عنوان با خدایی که در اسلام و ادیان الهی مطرح می‌شود، برابر و مطابق نیست، تصریح کرد: خدا از نگاه سرخپوستان و ساحران مکزیکی یعنی یکپارچگی جهان، وحدت استقلالی عالم و انرژی‌های متصل کیهانی.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های ««؛ آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب» که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

فعالی با اشاره به موضوع بحث سلسله نشست‌های گذشته مبنی بر بازشناسی عرفان‌های نوظهور و کاذب اظهار کرد: در يك دسته‌بندی می‌توان کیش‌های نوظهور و عرفان‌های کاذب را در هفت بخش طبقه‌بندی کرد که دسته اول آنها عبارت از کیش‌های نوظهور معنوی هند بود.

وی با اشاره به بخش دوم از جریان‌های معنویت‌گرا خاطرنشان کرد: این بخش از آئین‌های نوظهور مربوط به قاره آمریکا می‌شود که به طرح آن خواهیم پرداخت. نکته قابل تذکر در این بخش این‌که وقتی از آئین‌های معنویت‌گرای آمریکایی سخن گفته می‌شود، منظور تنها ایالات متحده آمریکا نیست، بلکه سراسر قاره آمریکا را در برمی‌گیرد.

این مدرس حوزه و دانشگاه در ادامه توضیح داد: در قاره آمریکا خصوصاً آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی سه کشور به‌طور خاص در رابطه با عرفان‌های کاذب فعالیت می‌کنند که عبارتند از: مکزیك، برزیل و پرو. در این جلسات دو کشور مکزیك و برزیل را مورد بررسی قرار خواهیم داد که مبدأ و منشأ عرفان‌های کاذب سرخپوستی به‌شمار می‌روند، البته هنگامی‌که به حوزه آئین نوظهور فراعلم وارد شویم، نیم‌نگاهی به کشور پرو نیز خواهیم داشت.

فعالی با بیان این‌که آئین‌های معنویت‌گرای آمریکایی به چهار دسته کلی منقسم می‌شوند، عنوان کرد: این چهار دسته عبارتند از: عرفان‌های سرخپوستی، عرفان ««؛ اکنکار» و یا به‌صورت خلاصه آئین ««؛ اک»، آیین معنویت‌گرای ««؛ پائولو کوئیلو» نویسنده برجسته برزیلی و صاحب کتاب معروف ««؛ کیمیاگر» - که از شهرت خاصی در ایران برخوردار است - و چهارم آئین شیطان‌پرستی و یا شیطان‌گرایی مدرن.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به عرفان‌های سرخپوستی به‌عنوان اولین جریان از چهار عرفان قاره آمریکا تصریح کرد: عرفان‌های سرخپوستی برخاسته از کشور مکزیك خصوصاً پایتخت مکزیك یعنی مکزیكوسیتی است. در حومه پایتخت مکزیك شهری است به نام ««؛ اشوارخواران» که به‌طور مشخص این شهر پایتخت عرفان‌های سرخپوستی به‌شمار می‌آید.

وی ادامه داد: اشوارخواران به معنی ««؛ نورخواران» یا ««؛ خداخواران» است. علت نام‌گذاری این شهر به اشوارخواران این است که اساتید نامدار این شهر سرخپوست و جادوگر هستند و اعتقاد دارند که نباید از نیروهای مادی و جسمانی خصوصاً استفاده کرد، به‌همین جهت است که در رابطه با ایشان مشهور شده که این دسته از افراد از خوردن آب و غذا ممانعت به عمل می‌آورند.

فعالی با تأکید بر این‌که سرخپوستان و ساحران شهر اشوارخواران اعتقاد دارند که در گیتی و هستی، خصوصاً سیاره زمین منابع انرژی متعدد و بی‌شمار است، گفت: اگر انسان بتواند این منابع انرژی را درست و صحیح شناسایی کند و دهان خود را بر روی آن منابع انرژی بگذارد، دیگر نیازمند تأمین منابع انرژی از طریق غذا و آب نیست.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که سرخپوستان و ساحران شهر اشوارخواران اعتقاد دارند منابع انرژی در تمام هستی پخش است، خاطرنشان کرد: ایشان ادعان دارند که این منابع در اختیار همه افراد بشر قرار دارد، سهل الوصول است و به صورت رایگان در اختیار

وی با بیان این‌که سرخ‌پوستان اعتقاد دارند این منابع انرژی همگی پاك هستند، عنوان کرد: در منابع سرخ‌پوستی غذاها و آب‌هایی را که بشر استفاده می‌کند پاك نمی‌دانند، مخصوصاً اگر از نوع غذاهای آماده امروزی باشد، ضمن این‌که این منابع انرژی رایگان نیز نیستند. البته بنده اطلاع ندارم که ادعا بر توانایی انسان مبنی بر ادامه حیات بدون آب و غذا تا چه اندازه می‌تواند صحیح باشد.

فعالی افزود: البته در میان عارفان حتی عارفان اسلامی نیز این مطلب نقل شده که عده‌ای از ایشان از خوردن غذا ممانعت می‌کردند و یا به کمترین حد آن اکتفا می‌نمودند، به‌عنوان مثال در رابطه با برخی از صوفیان ذکر شده که در هفته تنها يك مرتبه غذا می‌خوردند و در همان يك وعده نیز به يك دانه مویز و کشمش اکتفا می‌کردند.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به «؛ابن خفیف شیرازی» عارف سده پنجم هجری که قبر وی در بازار وکیل‌آباد شیراز است و اخیراً توسط سازمان میراث فرهنگی بازسازی شده است، اظهار کرد: به این عارف از آن جهت ابن خفیف اطلاق شده که وی بسیار خفیف‌المؤونه بود، یعنی به اندك قوت و غذا اکتفا می‌کرد.

این محقق و پژوهشگر گفت: عرفا عمدتاً به دنبال «؛قوت القلوب» یعنی غذای جان هستند. این مطلب در میان مرتاضان هندی نیز بسیار شایع است که از يك تا دو هفته از آب و غذا استفاده نمی‌کردند و بدون هیچ‌گونه مشکلی به حیات خود ادامه می‌دادند. در مجموع می‌توان گفت که جسم انسان بسیار پیچیده است، به‌طوری‌که شاید بتوان گفت تا ابد پیچیدگی‌های آن برای انسان مشخص و ظاهر نخواهد شد.

وی در ادامه عنوان کرد: البته رشد علم برخی مسائل پنهان بدن و جسم انسان را مکشوف کرده است، اما هر چه علم پیشرفت می‌کند و هنگامی‌که به يك سؤال در رابطه با انسان پاسخ می‌گوید، ده سؤال دیگر پیش روی او ایجاد می‌شود. گویی این سؤال‌ها پایانی ندارد و هر چه علم بیشتر پیشرفت کند تعداد سؤالات بشر در رابطه با خود فزونی می‌یابد؛ لذا در کنار پیشرفت علم میزان جهل بشر و تعداد سؤالات او نیز پیشرفت می‌کند.

فعالی گفت: منطقه اشوارخواران از این جهت به این نام معروف شده که ساکنان این منطقه به نورخواری و یا حتی انرژی‌خواری اعتقاد دارند. در مورد ساکنان این منطقه عنوان شده که ایشان از خوردن آب و غذا ممانعت بعمل می‌آورند و در مقابل به خوردن انرژی می‌پردازند و اعتقاد دارند که باید از طریق دیگر منابع انرژی کسب انرژی کرد.

این مدرس حوزه و دانشگاه با تأکید بر این‌که باید دقت داشت که خدای موردنظر ساحران منطقه اشوارخواران به‌هیچ‌عنوان با خدایی که در اسلام و ادیان الهی مطرح می‌شود، برابر و مطابق نیست، تصریح کرد: خدا از نگاه سرخ‌پوستان و ساحران مکزیکی یعنی یکپارچگی جهان، وحدت استقلالی عالم و انرژی‌های متصل کیهانی.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که ساحران و سرخ‌پوستان اعتقاد دارند که اشوارخواران منطقه‌ای است که انسان‌ها را به خدا تبدیل می‌کند، خاطرنشان کرد: سرخ‌پوستان اعتقاد دارند که انسان يك سیستم یکپارچه انرژی است که به انرژی کیهانی متصل می‌شود، در این حالت با انرژی گیتی یکی می‌شود و وحدت میان آن دو ایجاد می‌شود.

فعالی با بیان این‌که نماد عرفان‌های سرخ‌پوستی عقاب است، افزود: اگر دقت شود ایشان در پشت کتاب‌ها، تیتیر سایت‌ها و هر جای دیگر يك عقاب سیاه نشسته رسم می‌کنند، لذا در میان علائم ایشان اگر بر روی سایت، کتاب، لباس هنرپیشه و بازیگر، هنرمند، عصا و یا هر جای دیگری نقش عقاب مشاهده شود، گوشه‌نظری بر عرفان سرخ‌پوستی دارد.

وی در توضیح عرفان سرخ‌پوستی افزود: البته باید دقت کرد که منظور از عرفان سرخ‌پوستی يك عرفان نیست، بلکه عرفان‌های سرخ‌پوستی مطرح است، چرا که این دسته از عرفان‌ها از سه شاخه منشأ گرفته‌اند؛ اول شاخه عرفان تولتك، دوم عرفان سو و سوم عرفان ساحری. البته مهم‌ترین نوع عرفان سرخ‌پوستی عرفان ساحری است که همراه با سحر و جادو است.

فعالی با اشاره به عرفان ساحری که مهم‌ترین بخش عرفان‌های سرخ‌پوستی به‌حساب می‌آید، عنوان کرد: عرفان سرخ‌پوستی خصوصاً از نوع تولتك نام دیگری دارد به اسم «؛عرفان شمن یا شمنیزم»، خاستگاه عرفان شمن در حقیقت همان عرفان سرخ‌پوستی است که در کشور مكزيك شكل گرفته است.

وی با اشاره به عرفان شمن ادامه داد: این آئین مخصوص هنرمندان و جنگاوران سرخ‌پوست باستان است و خصوصاً از منطقه جنوب مكزيك برخاسته است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت شمنیزم یا آئین شمن آئین جادوگران جنوب مكزيك است، به‌طوری‌که دین و

مذهب رسمی سرخ‌پوستان مکزیك را ساحری و جادوگری تشکیل داده است، اما از آنجا که جادوگری جنبه‌های ماوراء طبیعی را نیز شامل می‌شود به آن جریان عرفان یا معنویت اطلاق شده است.

این محقق و پژوهشگر افزود: یکی از کتاب‌های مهم در این رابطه کتاب «آئین شمنیزم» است. این کتاب مهم‌ترین اثر در زمینه آئین شمنیزم و یا آئین‌های سرخ‌پوستی به حساب می‌آید.

فعالی گفت: منظور از تولتك شمن‌هایی هست که ریشه در سابقه باستانی جنوب مکزیك دارند. تولتك‌ها از دو بخش تشکیل شده‌اند؛ دسته اول اساتید یا ناوال‌ها و دسته دوم جادوگران و مردمان وابسته که با نام هواکان معروف هستند. شمن‌های تولتك سه استاد برجسته دارند که اولین آنها پائولوکوئیلو، دومین استاد کارلس کاستاندا – که در مباحث آتی به این شخص اشاره خواهد شد – و سومین رهبر برجسته شمن‌های تولتك شخصی به نام «دون میگوئل روئیز» است.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به سومین رهبر برجسته شمن‌های تولتك اظهار کرد: میگوئل روئیز در دهه هفتاد میلادی به جهت حادثه‌ای که برای وی رخ داد، معروف و مشهور شد و آن حادثه از این قرار بود که وی مشغول رانندگی در یکی از جاده‌های مکزیك بود که پشت فرمان خوابش می‌برد و در مسیر با شیئی برخورد می‌کند، به‌طوری که پس از تصادف از هوش می‌رود.

وی با بیان این‌که روئیز بعد از تصادف مدتی نامعلوم در کما فرو می‌رود، گفت: وی بعد از آنکه از کما خارج می‌شود، خود اذعان می‌دارد که در این مدت با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرده است و به تجربه نزدیک به مرگ پرداخته است. «تجربه نزدیک به مرگ» واژه‌ای است جالب و بسیار قابل تأمل برای حوزه‌های مطالعات دینی. تجربه نزدیک به مرگ پدیده‌ای است که اخیراً مطرح شده است.

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این‌که در زمینه تجربه نزدیک به مرگ و با همین عنوان کتاب‌هایی چاپ و منتشر شده است، خاطرنشان کرد: به تجربه نزدیک به مرگ «زندگی بعد از زندگی» نیز گفته می‌شود. متخصص این حوزه به لحاظ علمی شخصی با نام «ریموند مودی» است. وی کتابی با عنوان تجربه نزدیک به مرگ نگاشته است که بارها به فارسی ترجمه شده است.

فعالی تصریح کرد: در جهان حدود سیصد نفر هستند که برای ایشان تجربه نزدیک به مرگ پیش آمده است، همان‌گونه که برای روئیز نیز این مطلب رخ داد، به‌گونه‌ای که این افراد بر اثر حادثه‌ای تمام علائم حیات را از دست داده‌اند، به‌غیر از يك یا دو علامت بسیار ضعیف که بعد از مدت زمانی مانند يك یا دو روز و حتی يك هفته مجدد به حیات دنیوی بازگشتند.

وی ادامه داد: در این مدت نیز این افراد مطالب مختلفی را از عوالم دیگر مشاهده کرده‌اند و بعد از این که به حیات دنیوی خود بازگشتند آنچه را که در حالت کما مشاهده کرده بودند، برای دیگران بازگو می‌کردند. تحقیقاتی که بر روی این سیصد نفر صورت گرفته است به این نتیجه می‌رسد که به‌غیر از حیات دنیوی حیات دیگری نیز وجود دارد و زندگی منحصر در حیات این دنیا نیست.

این مدرس حوزه و دانشگاه افزود: نکته جالب در میان سخنان ایشان این است که در حدود نیمی از گزارشاتی که در رابطه با حالت و عالم کما از ایشان رسیده است، مانند بیاناتی است که آیات قرآن در رابطه با حیات پس از مرگ و عالم برزخ می‌دهد، اما نیمی دیگر از سخنان ایشان با آیات قرآن متفاوت است.

فعالی افزود: بازگشت دون میگوئل روئیز به حیات دنیوی منجر شد تا تجربیات خود را توسط برخی از سؤالات گزارش کند و تجربیات خود را مبنائی برای تأسیس عرفانی از نوع جادوگران قرار دهد که عرفان وی معروف به عرفان تولتك شد، لذا آئین تولتك دو بُعد دارد، از يك سو آئین خردمندان معروف باستان مکزیك است که از طریق سینه به سینه منتقل شده و روئیز پس از تجربه خود این نوع معنویت را به نوعی به روز رسانی کرده است.

فعالی عنوان کرد: دون میگوئل روئیز دارای ده کتاب است که همگی به زبان فارسی ترجمه شده است. مهم‌ترین کتاب وی به نام «چهار میثاق» است که این نام‌گذاری نیز علتی دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. روئیز پس از تجربه نزدیک به مرگ خود از طریق برگزاری کارگاه‌ها و سفرهای تبلیغاتی به معرفی آئین خود که هماهنگ با آئین جنگ‌آوران و جادوگران سرخ‌پوستان باستان است، همت گماشت و آموزه‌های خویش را به جهانیان معرفی کرد. خصوصاً تبلیغات وی در ایالات متحده امریکا بیشتر به چشم می‌آید.